

معامله قرن و پیامدهای آن برای مساله فلسطین و ایران

معامله قرن آمریکا در دو سال گذشته یکی از مهمترین موضوعات سیاسی مطرح در عرصه بین الملل و فلسطین است که واکنش های متفاوتی را از سوی طرف صهیونیستی و فلسطینی به دنبال داشته است.

به گزارش گروه بین الملل ایسکانیوز، توافق قرن یا معامله قرن اصطلاحی است که از ابتدای به قدرت رسیدن دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا در اوایل سال ۲۰۱۷ وارد ادبیات رسانه های سیاسی شده و به طرح دولت کنونی آمریکا برای برقراری صلح در خاورمیانه و پایان دادن به منازعه فلسطینی اسرائیلی اشاره دارد. جارد کوشنر مشاور و داماد ترامپ، جیسون گرینبلات فرستاده ویژه رئیس جمهور آمریکا و دیوید فریدمن سفير آمریکا در تل آویو سه نفری هستند که در طراحی این معامله نقشی اساسی ایفا کرده اند. اما تمام گروه های فلسطینی در واکنش به این طرح دولت آمریکا با آن مخالفت کرده اند تا جایی که حتی روابط تشکیلات خودگردان با آمریکا نیز پس از اعلام آن و انتقال سفارت این کشور به قدس اشغالی به سردی گراییده و هم اکنون عدم همراهی ابومازن به یکی از موانع اجرای این معامله تبدیل شده است و بر اساس برخی گزارشات سران بعضی کشورهای عربی به دنبال جلب رضایت وی هستند. همچنین یکی از اهداف اصلی راهپیمایی های هفتگی بازگشت نیز که از ۳۰ مارس سال ۲۰۱۸ آغاز شده است مخالفت با این طرح سیاسی است که هم اکنون به یک بحران امنیتی در مرزهای رژیم صهیونیستی تبدیل شده است. برگزاری کنفرانس اقتصادی منامه در ۲۵ و ۲۶ ژوئن اولین قدم برای عملیاتی کردن معامله قرن به شمار می رود که قرار است در آن با حضور سران برخی کشورهای عربی و صاحبان کسب و کار در منطقه راه های اجرای بخش های اقتصادی این طرح بررسی شود.

مفاد معامله قرن:

تاکنون هیچ مقام آمریکایی، صهیونیستی یا فلسطینی هیچ گونه اظهار نظر رسمی و قطعی در مورد مفاد این طرح ننموده و آنچه در رسانه های مختلف در خصوص مفاد این طرح سیاسی شاهد آن هستیم تنها گمانه زنی های مطرح شده در این مورد است که رسانه ها به نقل آنها از سوی برخی منابع مورد اطمینان خود پرداخته اند و از هویت این منابع سخنی به میان نیاروده اند. اما مساله مشهود و غیر قابل انکار در اظهارات مقامات آمریکایی و همچنین مقامات صهیونیستی در دو سال گذشته عدم اشاره به تشکیل کشور مستقل فلسطینی و احقاق حقوق فلسطینیان از جمله تعیین سرنوشت و بازگشت آوارگان فلسطینی به سرزمین های خودشان است که از مسائلی اصلی و مطالبات جدی فلسطینیان در این میان به شمار می رود، اما در مقابل بر تامین امنیت رژیم صهیونیستی تاکید فراوانی شده است. تنها روزنامه صهیونیستی اسرائیل هاپوم در چند روز گذشته در گزارشی به برخی مفاد معامله قرن به نقل از یک منبع در وزارت خارجه رژیم صهیونیستی پرداخت که در آن به تشکیل کشور فلسطین جدید اشاره شده است. بر اساس این گزارش کشور فلسطین در بخش هایی از کرانه باختری و نوار غزه تشکیل خواهد شد اما تسلط امنیتی رژیم صهیونیستی بر بیشتر مناطق کرانه باختری حفظ می شود که مفهوم کشور مستقل بودن را زیر سوال می برد. همچنین بر اساس این گزارش غزه در صورتی می تواند بخشی از این کشور باشد که سلاح خود تحویل دهد که این مساله تا کنون به هیچ عنوان از سوی گروه های فلسطین پذیرفته نشده است. نکته دیگر اشاره شده در گزارش اسرائیل هاپوم آن است که کشور جدید فلسطین نمی تواند ارتش داشته باشد و تنها اجازه دارد از نیروی پلیس و سلاح سبک برای اداره

شهرها بهره مند باشد که تشکیل کشور بدون ارتش نیز خود مساله ای قابل مناقشه است. بر اساس مجموع خبرهای منتشر شده در این زمینه مهمترین محورهای طرح صلح آمریکا را می توان در موارد ذیل مورد بررسی قرار داد:

- تثبیت تسلط رژیم صهیونیستی بر قدس و سپردن اداره آن به این رژیم با شیوه های مختلف. بیشتر گزارشات منتشر شده در گذشته حکایت از این داشت که پایتخت کشور فلسطین در مناطق حومه قدس خواهد بود و یکی از گزینه پیشنهادی برای آن منطقه ابودیس بود که با مخالفت مقامات و گروه های فلسطینی مواجه شد و در مقابل آن صهیونیست ها تنها از ۳ تا ۵ روستای اطراف قدس عقب نشینی خواهند کرد. اما برخی اخبار منتشر شده اخیر حاکی از عدم تقسیم قدس است که مشترکاً پایتخت اسرائیل و فلسطین خواهد بود اما شهر به صورت یکپارچه توسط شهرداری اسرائیلی اداره خواهد شد و حکومت فلسطینی موظف به پرداخت مالیات به این شهرداری است. چنانچه نتایج نخست وزیر رژیم صهیونیستی نیز اخیراً در اظهاراتی به عدم تقسیم قدس اشاره کرده بود. البته با توجه به انتقال سفارت آمریکا به قدس اشغالی در ماه دسامبر سال ۲۰۱۷ و به رسمیت شناختن این شهر به عنوان پایتخت رژیم صهیونیستی توسط رئیس جمهور آمریکا و اظهارات ترامپ در مورد خارج کردن مساله قدس از میز مذاکرات بعید است فلسطینیان سهمی در این شهر داشته باشند و یا حداقل سهم قابل توجهی نخواهد داشت.

- اعطای کمک مالی به غزه برای بهبود اوضاع اقتصادی این منطقه که بر اساس آخرین گزارشات ۷۰ درصد این هزینه بر عهده کشورهای عربی خلیج فارس، ۲۰ درصد بر عهده آمریکا و ۱۰ درصد بر عهده اتحادیه اروپا خواهد بود. پیش از این هم خبرهایی از سفر جارد کوشنر و جیسون گرینبلات به کشورهای عربی حوزه خلیج فارس برای جلب موافقت آنان برای تامین هزینه های بازسازی غزه در چارچوب معامله قرن منتشر شده بود. نکته قابل توجه در تمام خبرهای اعلام شده در مورد تامین هزینه های توسعه غزه آن است اسرائیل در این میان هیچ هزینه ای پرداخت نمی کند. بر اساس این طرح قرار است برای غزه بندر، فرودگاه و شهرک های صنعتی ساخته شود تا فضای تجارت بهبود یافته و بیکاری در این منطقه کاهش یابد. در مورد محل ساخت این تاسیسات نیز اختلافاتی وجود داشته و دارد. برخی اخبار حاکی از آن است که بخشی از صحرای سینا برای این منظور اختصاص می یابد و هزینه زمین های مورد نظر پس از ارزش گذاری به مصر پرداخت می شود که البته مقامات مصری با این مساله مخالفت کردند. از جمله گزینه های پیشنهادی برای ساخت بندر، شهر اسدود رژیم صهیونیستی بوده است که با مخالفت مقامات شاباک مواجه شد. قبرس نیز دیگر گزینه پیشنهادی مقامات صهیونیست بوده است و برخی دیگر از مقامات این رژیم نیز پیشنهاد ساخت جزیره ای مصنوعی در نزدیکی غزه را مطرح کرده اند. هزینه اختصاصی تخمین زده شده برای این منظور از ۱۰ تا ۴۰ میلیارد دلار پیش بینی شده است. لازم به ذکر است ارائه تمامی این تسهیلات متوقف بر خلع سلاح غزه است.

- خلع سلاح غزه و تحویل کامل تسلیحات نیروهای مقاومت به کشور مصر از چالش برانگیزترین و خطرناک ترین شروط مطرح شده در معامله قرن است که با مخالفت قاطع تمام گروه های فلسطینی غزه مواجه شده است، چنانچه ذکر شد تحقق بند پیشین متوقف بر خلع سلاح غزه خواهد بود.

- مساله مهم ديگر در معامله قرن به رسميت شناختن اصل شهرک سازي، شهرک های ساخته شده و ادامه اين روند است به طوري که حاکميت رژيم صهيونيستي بر شهرک های موجود به رسميت شناخته می شود و به اين رژيم اجازه داده خواهد شد تا تجمعات پراکنده موجود را با ساخت بيستر واحدهای مسکوني به يکديگر متصل نمايد. اين مساله در تعارض روشن با قوانين بين المللی و قطعنامه های سازمان ملل متحد است که بر اساس آنها اين اقدام رژيم صهيونيستي متجاوزانه محسوب می شود.

- بازگشت آوارگان فلسطينی به سرزمين های خود از جمله مسائل ديگري است که در اين طرح سياسی به آن بی توجهی شده و به هيچ وجه به رسميت شناخته نشده است. اين کاملاً در تعارض با خواست ملت فلسطين بوده که از ابتدای اشغال سرزمين های ۱۹۴۸ بر آن تاکيد داشته و در بيش از يکسال گذشته در جريان راهپيمايي های بازگشت از محوري ترين مطالبات فلسطينيان بوده است. بر اساس گزارشات موجود معامله قرن بر اسکان آوارگان فلسطينی در همان کشورهایی که هم اکنون در آن سکونت دارند تاکيد نموده و تنها به آنان غرامت پرداخت می نمايد.

پيامدهای اجرای معامله قرن برای مساله فلسطين:

- الحاق حداقل بخشی از کرانه باختری به اراضی اشغالی ۱۹۴۸ که با قوانين بين المللی و قطعنامه های سازمان ملل متحد مخالف است. اما کنست رژيم صهيونيستي سال ها پيش قانونی در خصوص الحاق کرانه باختری به اراضی اشغالی ۱۹۴۸ تصويب کرده است. اين بخش از معامله قرن در واقع پاسخی مثبت به وعده های بنيامين نتانياهو نخست وزير رژيم صهيونيستي در انتخابات اخير پارلمان محسوب می شود چرا که وی بر به رسميت شناخته شدن حاکميت رژيم صهيونيستي بر شهرک های موجود در کرانه باختری تاکيد داشت.

- انحلال احتمالی تشکيلات خودگردان را می توان از ديگر پيامدهای معامله قرن دانست چرا که ابومازن تاکنون با بخش هایی از اين طرح سياسی مخالفت دارد و برای اجرائی شدن آن همکاري نمی کند و اين مساله می تواند باعث ايجاد بحران امنیتی در اين منطقه شود. ابومازن تا کنون به طور مستقيم و غير مستقيم تهديداتی در اين خصوص داشته است. چنانچه برخی از مقامات امنیتی و نظامی رژيم صهيونيستي نسبت به خلأ احتمالی ايجاد شده پس انحلال کرانه باختری و استفاده گروه های مقاومتی غزه از اين فضا هشدار داده اند. البته انحلال تشکيلات خودگردان می تواند پيامدهای ناگواری اقتصادی نیز برای رژيم صهيونيستي داشته باشد چرا که پس از آن رژيم صهيونيستي بايد هزینه اداره ۲.۶ ميليون فلسطينی اين منطقه را پرداخت نمايد که بر اساس برآوردهای انجام شده توسط منابع صهيونيستي سالانه ۵۵ ميليون شکل خواهد شد.

- به رسمیت شناخته شدن حاکمیت رژیم صهیونیستی بر بخش هایی از کرانه باختری به معنای مرگ راه حل دو دولتی و تشکیل کشور مستقل فلسطینی در مرزهای ۱۹۶۷ است که از سال های پیش از آن به عنوان اصلی ترین راه حل پایان دادن به منازعه فلسطینی اسرائیلی یاد می شده است. جارد کوشنر اخیراً در اظهارات خود تأکید کرد از این پس نباید به راه حل های قدیمی برای حل نزاع فلسطینی اسرائیلی اکتفا کرد و باید به دنبال راه های جدیدی بود که شاید منظور وی همین مساله باشد.

- صرف نظر از منتفی شدن راه حل دو دولتی، معامله قرن سبب رسمیت یافتن شهرک سازی و افزایش این روند در کرانه باختری خواهد شد، مساله ای که از دیر باز در نزاع میان فلسطینیان و صهیونیست ها از اصلی ترین مسائل مورد مناقشه بوده است. شهرک سازی های غیر قانونی یکی از مهمترین دلایل مخالفت با رژیم صهیونیستی به شمار می رود که حتی محافل غربی نیز با آن مخالفت می کنند، تا جایی که در برخی مواقع روسای جمهور آمریکا به عنوان اصلی ترین متحد رژیم صهیونیستی نیز به ظاهر نسبت به این مساله ابراز نارضایتی نموده اند. بنابراین رسمیت یافتن شهرک سازی به معنای از میان رفتن مهمترین و مورد اتفاق ترین دلیل مبارزه با رژیم صهیونیستی است. تاکنون با وجود مخالفت های انجام شده در سراسر جهان در برابر این مساله اما شهرک سازی از سرعت قابل توجهی برخوردار بوده است به طوری که در دوره تنایاهو از سال ۲۰۰۹ تا کنون بیش از ۲۰ هزار واحد مسکونی در شهرک ها ساخته شده و این وضعیت پس از رسمیت یافتن این مساله از روند سریعتری برخوردار خواهد شد.

- بی اعتنایی به حق بازگشت آوارگان فلسطینی و حق تعیین سرنوشت برای فلسطینیان علاوه بر آنکه مانند مساله شهرک سازی دارای ظرفیت های مبارزاتی علیه رژیم صهیونیستی است و معامله قرن سبب از میان رفتن آن می شود تا مین بیش از پیش امنیت رژیم صهیونیستی را به دنبال خواهد داشت. دلیل آن این است که بازگشت ۵.۷ میلیون آواره فلسطینی به سرزمین های خود به معنای بر هم خوردن تعادل جمعیتی در اراضی اشغالی خواهد بود که صهیونیست ها بیش از یک قرن است برای افزایش جمعیت خود سرمایه گذاری های فراوان کرده اند. تحقق این مساله می تواند به حیات رژیم صهیونیستی پایان دهد چه رسد به آنکه فلسطینیان بخواهند خود سرنوشتشان را تعیین کنند.

- به رسمیت شناخته شدن (کشور اسرائیل) و مشروعیت بخشیدن به اشغالگری صهیونیست ها از دیگر پیامدهای این معامله است. با اجرای این معامله دیگر دشمنان ملت مسلمان فلسطین متجاوز محسوب نمی شوند و آنان دارای (کشوری) متعلق به خود خواهند بود. انتقال سفارت از تل آویو به قدس اشغالی در دسامبر سال ۲۰۱۷ نشانه ای از عزم آمریکایی ها برای این مساله است. اجرای قانون انتقال سفارت آمریکا پس از ۲۲ سال از گذشت تصویب آن حاکی از تلاش آمریکا برای فراهم کردن فضا جهت به رسمیت شناختن رسمی (کشور اسرائیل) است.

- معامله قرن مساله فلسطین را برای همیشه پایان داده و مظالم صهیونیست ها و برخی کشورهای غربی و عربی علیه ملت مسلمان

فلسطین را به فراموشی خواهد سپرد چرا که دیگر مستمسکی برای مطالبه حقوق آنان باقی نمی ماند و رژیم صهیونیستی با خیال راحت به اجرای سیاست های توسعه طلبانه خود بر اساس اصول صهیونیسم ادامه خواهد داد.

- معامله قرن به شدت محور مقاومت را تضعیف خواهد کرد و پیشقراولان جبهه مبارزه با رژیم صهیونیستی را از صحنه خارج کرده و خط مقدم مبارزه با اشغالگری را نابود می نماید.

- عادی سازی روابط کشورهای عربی به عنوان مخالفان رژیم صهیونیستی از دیگر نتایج این طرح سیاسی است. اگر چه برخی کشورهای عربی به ویژه کشورهای عربی نفت خیز در خلیج فارس روابط پشت پرده گسترده ای با رژیم صهیونیستی دارند که مورد تایید مقامات این کشورها و مقامات صهیونیست است اما با رسمیت یافتن رژیم صهیونیستی دیگر دلیلی برای آنان جهت پنهان کردن روابط باقی نمانده و آنچه سال هاست مخفیانه در دستور کار دارد را علنی خواهند کرد.

پیامدهای اجرای معامله قرن برای ایران:

به عقیده برخی کارشناسان ایران بزرگترین مخالف و مانع بر سر راه اجرای معامله قرن در فلسطین است زیرا منافع منطقه ای ایران را شدیداً مورد تهدید قرار می دهد و بسیاری از فشارهای اخیر بر ایران به دلیل جلب رضایت این بازیگر تاثیر گذار غرب آسیا برای عملیاتی نمودن این طرح سیاسی است. اجرای معامله قرن به طور کلی با مواضع ایدئولوژیک و منافع ملی ایران در تعارض است که در ذیل به برخی پیامدهای معامله قرن برای ایران اشاره می شود:

- همانطور که مطرح شد معامله قرن حاکمیت رژیم صهیونیستی بر بخش هایی از کرانه باختری را به رسمیت شناخته و اداره امور امنیتی بیشتر این مناطق را به این رژیم می سپارد که به معنای تسلط بیش از پیش صهیونیست ها بر این منطقه است، از سوی دیگر معامله قرن بر خلع سلاح غزه نیز تاکید دارد. همچنین ایران به دلیل اختلاف دیدگاه با تشکیلات خودگردان نمی تواند از طریق آنها در خصوص زمینه های مبارزاتی علیه رژیم صهیونیستی در کرانه باختری سرمایه گذاری کند و تنها گزینه ایران برای تاثیر گذاری در عرصه فلسطین گروه های مقاومتی در غزه است و ایران تنها با استفاده از این گروه ها می تواند تاثیراتی در کرانه باختری داشته باشد. اما با اجرای معامله قرن اهرم موثر ایران در عرصه فلسطین از میان می رود و حتی اگر غزه نیز خلع سلاح نشود زمینه های کار در کرانه باختری کاهش می یابد که البته در این صورت پیامدهای خطرناکی برای مقاومت خواهد داشت. بر اساس برخی گزارشات در صورتی که حماس و جهاد اسلامی با معامله قرن مخالفت کنند آمریکا در هر گونه جنگ رژیم صهیونیستی علیه غزه مشارکت کرده و با این رژیم در هدف قرار دادن رهبران مقاومت همکاری می نماید.

- خلع سلاح غزه که یکی از محوری ترین مسائل مطرح در معامله قرن است سبب می شود تهدیدات این منطقه علیه رژیم صهیونیستی پایان یافته و این رژیم بر جبهه شمالی تمرکز نماید، در این صورت دستاوردهای ایران در کشورهای سوریه و لبنان در معرض خطر بیشتری قرار می گیرد. در دو سال گذشته با وجود تهدیدات جبهه جنوبی شاهد حملات گاه و بیگاه هوایی و موشکی رژیم صهیونیستی به سوریه هستیم که هدف از آن را تضعیف حضور ایران در این کشور اعلام می کنند. مقامات صهیونیست در اظهارات بسیاری از خطرات حضور ایران در جبهه شمالی اراضی اشغالی سخن گفته و بر لزوم کاهش این حضور تاکید کرده اند. حتی برخی کارشناسان نظامی و امنیتی صهیونیست به صراحت اعلام کرده اند اگر چه تهدیدات جبهه شمالی بسیار خطرناک تر از جبهه جنوبی است اما تا زمانی که تهدیدات جبهه جنوب رفع نشود رژیم صهیونیستی نباید در جبهه شمالی اقدام نظامی انجام دهد چرا که ارتش توان جنگ در دو جبهه را ندارد. اما خلع سلاح غزه خیال صهیونیست ها را از جبهه جنوب آسوده کرده و باعث می شود توان خود را بر جبهه شمالی متمرکز نمایند.

- چنانچه ذکر شد یکی از نتایج اجرای معامله قرن عادی سازی روابط کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی است که برای ایران نیز پیامدهایی خواهد داشت و سبب اتحاد علنی و رسمی آنها با این رژیم علیه تهدید مشترکی به نام ایران می گردد. ضعف کشورهای عربی خلیج فارس باعث تقویت هر چه بیشتر جایگاه ایران در منطقه می شود و حکومت این کشورها برای بقای خود چاره ای جز اتحاد با قدرتی دیگر ندارد و چه گزینه ای بهتر از رژیم صهیونیستی که هم خود از قدرت قابل توجهی برخوردار است و هم بر آمریکا نفوذ دارد. چنانچه پیشنهادات مالی این کشورها به سوریه برای دست برداشتن از ایران و مقاومت پیش از بحران در این کشور و پیشنهادات مالی آنان پس از بحران و برای بازسازی این کشور در صورت قطع رابطه با ایران همه گویای تلاش کشورهای عربی خلیج فارس برای کاهش قدرت ایران به عنوان دشمن خودشان است.

- اجرای معامله قرن به تقویت بیشتر نگاه ایران هراسی و موفقیت بیشتر محور غربی عبری عربی در خصوص تقدم تهدیدات ایران بر تهدیدات رژیم صهیونیستی منجر می شود زیرا با به رسمیت شناختن این رژیم به عنوان یک (کشور) آنها بیشتر می توانند دیدگاه های خصمانه خود علیه ایران را توجیه در سطح جامعه بین الملل ترویج نمایند.

- اجرای معامله قرن به دلیل تضعیف جایگاه ایران در پی فقدان اهرم تاثیر گذار در عرصه فلسطین می تواند منجر به تحقق بخشی از سیاست های آمریکا در خصوص کاهش نفوذ ایران در کشورهای منطقه غرب آسیا شود.

خبرنگار : حامد عرب سرخی